



اصول حاکم بر تعقیب، بازداشت و محاکمه براساس قانون اساسی

قانون اساسی به عنوان مادر قوانین هر کشور، پارادایم و الگوهای کلی در زمینه های مختلف را تعیین می کند.

قانون اساسی به عنوان مادر قوانین هر کشور، پارادایم و الگوهای کلی در زمینه های مختلف را تعیین می کند. این امر در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت بیان گردیده که قانون اساسی مبنای نهاد های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ بنابراین هر نهادی اعم از حقوقی، اقتصادی، سیاسی باید براساس قانون اساسی شکل بگیرد و چنانچه تخلفی از لحاظ کارکردی و یا ساختاری در نهادی شکل گرفته باشد می بایست مطابق قانون اساسی اصلاح و یا حذف شود.

به گزارش «تابناک» اصول محاکمات عادلانه در نهاد حقوقی کشورمان یکی از مهمترین چالش هایی بود که نویسندگان قانون اساسی به آن اهتمام می ورزیدند چرا که در دوره قبل از انقلاب، عده کثیری از نویسندگان قانون اساسی طعم تلخ عدم رعایت اصول محاکمات را چشیده بودند. اصول حاکم طبق قانون اساسی عام و مطلق است.

عمومیت اصول حاکم شامل تمام افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان است که در اصل ۱۴ قانون اساسی به این امر تصریح شده است و اطلاق به این معنی که اصول محاکمات، استثناءپذیر و قابل تفسیر به ضرر متهم نیست. با توجه به این که محاکمه، بعد از ایراد اتهام، تحقیق و بازجویی صورت می گیرد، قانون اساسی برای تمام مراحل اصول خاص خود را داشته که می بایستی در هر مرحله صورت عینی و عملی به خود گیرد.

۱- عدم امکان ایراد اتهام به افراد بدون داشتن مدارک قانونی: با توجه به اینکه خود ایراد اتهام فی نفسه قابلیت مخدوش کردن حیثیت افراد را دارد، قانون اساسی در اصل ۲۲ به این امر پرداخته و تعرض به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را غیرقانونی اعلام کرده است؛ بنابراین ایراد اتهام فقط و فقط زمانی می تواند متوجه شخص شود که مدارک مثبته قانونی دال بر ایراد اتهام وجود داشته باشد.

۲- اصل عدم امکان اخذ مدارک جهت ایراد اتهام به اشخاص، به صورت غیرقانونی: در اصل «۲۴- قانون اساسی» عدم امکان استراق سمع، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخبرات تلگرافی و تلکس و عدم امکان هر نوع تجسس و در اصل «۲۳» عدم امکان تفتیش عقاید، و در اصل «۲۴» اعلام آزادانه مطالب قانونی در نشریات و مطبوعات، و در اصل «۲۶» عدم امکان مداخله حاکمیت در عضویت افراد در احزاب و انجمن های سیاسی و صنفی قانونی، همگی دلالت بر این مطلب دارند که با استراق سمع و یا تفتیش عقاید دیگران و سایر اقدامات غیرقانونی مصرح در قانون اساسی نمی توان برای افراد، جهات ایراد اتهام درست کرد.

۳- مرحله دستگیری، بازداشت و اصول حاکم بر این مرحله: با توجه به بند «۴» اصل «۱۵۶» که اشعار می دارد؛ کشف جرم و تعقیب از وظایف قوه قضائیه است و بر طبق اصل «۳۲» که اعلام کرده است هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد مگر به حکم قانون، فلذا حکم تعقیب و دستگیری افراد حتماً می بایست توسط قاضی صورت گرفته باشد. در صورت عدم رعایت مفاد این اصل، متخلف طبق ماده «۶۲۱» ق. م. ا. مجازات خواهد شد. علاوه بر این بعد از دستگیری طبق صراحت اصل «۳۹» قانون اساسی، حرمت افراد دستگیرشده می بایست حتماً رعایت شود.

در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلیل بلافاصله و کتباً به متهم ابلاغ و همچنین تفهیم گردد و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال شود (اصل ۲۲). براساس اصل «۳۸» هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. هرگونه اقرار و یا کسب اطلاع بر اثر اجبار، غیرقانونی است و از طرف فرد بازداشت شده قابل تعقیب کیفری است.

۴- مرحله دادرسی و صدور حکم و اصول حاکم بر آن: مهمترین اصل حاکم در مرحله دادرسی، اصل عدم ایراد اتهام و اصل برائت است. براساس اصل «۳۷» قانون اساسی اصل برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شده باشد. با توجه به اینکه در جرایم عمومی دادستان و در جرایم خصوصی شاکی خصوصی ایراد اتهام می کنند، لذا افراد مذکوراند که قانوناً باید جرم را اثبات کنند و متهم هیچ وظیفه ای در خصوص رفع اتهام از خود ندارد. اصل برائت، حامی وی در دادگاه است. علاوه بر اصل ۳۷ قانون اساسی، طبق اصل «۳۵» متهم می

تواند برای خود بدون هیچ محدودیتی وکیل انتخاب کند و در صورت عدم توانایی باید امکانات انتخاب وکیل در اختیار او گذارده شود. با توجه به اطلاق و عمومیت اصل ۳۵ قانون اساسی، هیچ بخشنامه ای نمی تواند اختیار انتخاب وکیل را محدود، مضیق و یا سلب کند. همچنین طبق اصل «۱۶۵» قانون اساسی محاکمات علنی انجام می گیرد و در خصوص جرایم مطبوعاتی و سیاسی علاوه بر علنی بودن محاکم حضور هیأت منصفه نیز ضروری است. لازم به ذکر است که محاکمات حتماً می بایست توسط قاضی

(مَنْ يَدِيهِ الْحُكْم) صورت بگیرد. از طرف دیگر قاضی طبق اصل «۱۶۷» نمی تواند به دلیل اجمال، تعارض، سکوت، نقص قانونی، از رسیدگی و صدور حکم امتناع ورزد و هرگاه در اثر تقصیر قاضی و یا اشتباه وی در خصوص تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی و یا معنوی متوجه کسی شود در صورت تقصیر قاضی ضامن بوده و در صورت اشتباه خسارت به وسیله دولت (طبق اصل ۱۷۱ قانون اساسی) جبران می شود. مضافاً اینکه احکام دادگاه ها طبق اصل «۱۶۶» باید مستدل و مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است.

طبق مفاد این اصل مبنی بر قانونی بودن جرم و مجازات، عدم امکان تفسیر موسّع در قوانین کیفری و عدم عطف به ماسبق شدن قوانین ماهوی و امکان عطف به ماسبق شدن قوانین شکلی در صورت ایجاد شرایط بهتر برای متهم، در تمام مراحل منجمله در مرحله دادرسی حاکم و ساری است (اصل ۱۶۹). هیچ محکمه ای طبق اصل ۴۱ نمی تواند به عنوان مجازات علیه اشخاص مبادرت به لغو تابعیت نماید؛ بنابراین مذاقه در اصول قانون اساسی و لزوم اجرای آن در عمل و ضرورت محاکمه عادلانه، ایجاب می کند که اولاً تمام محاکم و ضابطین قوه قضائیه اصول قانون اساسی را در عمل اجرا نمایند و ثانیاً عموم آحاد مردم با آگاهی از حقوق حقّ خود در اصول مصرّح قانون اساسی در عمل و با دفاع از حقوق خود جلوی پایمال شدن احتمالی حقوق خود را بگیرند. چرا که رعایت قانون مخصوصاً قانون اساسی در هر کشور، رابطه دو سویه بوده و در صورت ناآگاهی افراد نمی توان از اجرای قانون در کشور مطمئن بود.